بررسی هفته

حاج‌منصور هم سوژه شد

اگر ساکن تهران باشید احتمالا خیلی با مراسم مسجد ارک تهران نوستالژی دارید. به‌خصوص در ایام ماه رمضان که حاج منصور ارضی از مداحان بنام در این محل مناجات دارد و مردم از چند گوشه تهران راهی این منطقه می‌شوند. حالا یك پژوهشگر موسیقی آیینی به مهر خبر داده که کتاب جدیدی تالیف کرده که شامل آنالیز موسیقایی مداحی‌های حاج منصور است. متین رضوانی‌پور گفته: براساس برنامه‌ریزی‌هایی که برای تالیف این کتاب صورت گرفت، بیش از ۲۵۰ مجلس او در مساجد ارک و شهدا طی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ آنالیز شد و تلاش کردیم ضمن این بررسی دقیق، شمایل دقیقی از نو شدن شیوه مداحی که تقریبا از دهه ۶۰ آغاز شد به مخاطب ارائه کنیم. به نوعی می‌توان گفت که این کتاب دربرگیرنده نکات بسیار مهم و ارزشمندی در حوزه مداحی نوین است که در آن ضمن بررسی تطبیقی با تکیه بر مجالس حاج منصور ارضی، شیوه‌های موسیقایی این آثار نیز مورد کنکاش قرار گرفته است.

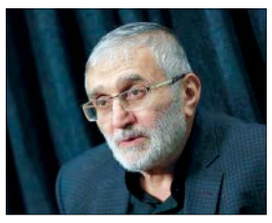

طبق اعلام رضوانی‌پور این کتاب قرار است در ایام عزاداری سیدالشهدا(ع) در محرم و صفر توسط موسسه قدیم‌الاحسان منتشر و راهی بازار نشر شود.

سرعت عمل هفته

خودمان هم هستیم!

بعد از بحث‌هایی که یکی دو روز گذشته در فضای مجازی و بعضی گروه‌های تلگرامی درباره قرارداد وزارت ارشاد با یکی از موسسات خصوصی برای ممیزی کتاب راه افتاد حالا وزارت ارشاد خودش یك بیانیه داده که قضیه آن‌طور هم که گفته می‌شود نیست و خودمان بالای سر کار هستیم. در بخش‌هایی از این بیانیه آمده است فعالیت‌های نظارت بر کتاب و نشر یك امر نظارتی است و امور حاکمیتی به موجب هیچ قراردادی قابل واگذاری نیست اما امور اجرایی و اداری آن می‌تواند به موجب ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری واگذار شود. براساس این قانون امور تصدی‌های اجتماعی، فرهنگی و خدماتی با رعایت اصول ۲۹ و ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از طریق توسعه بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی تعیین صلاحیت شده و با نظارت و حمایت دولت انجام می‌شود که براساس بند ۲ همین ماده خرید خدمات از بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی ازجمله این امور است. بر این اساس نظارت بر کتاب و نشر بر خلاف تفسیر و برداشت صورت گرفته خصوصی‌سازی نشده بلکه امور اجرایی و اداری آن به موجب قرارداد به موسسه کارآفرینان فرهنگ و هنر به‌عنوان یکی از موسسات ارائه‌دهنده خدمات و در ارتباط با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سپرده شده است.

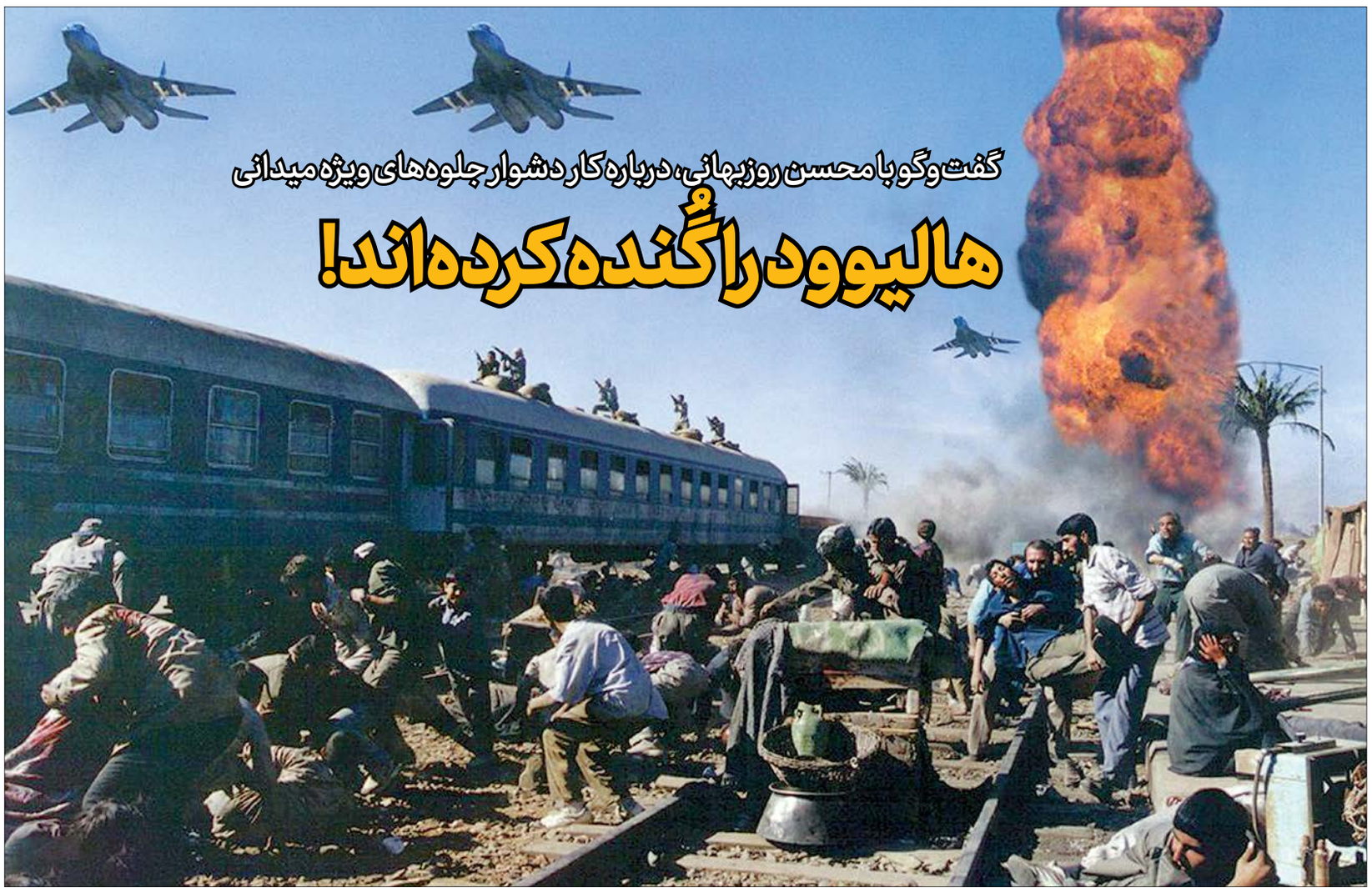

گفت‌وگو با محسن روزبهانی، درباره کار دشوار جلوه‌های ویژه میدانی

هالیوود را گُنده کرده‌اند!

نمایی از فیلم سینمایی دوئل به کارگردانی احمدرضا درویش که جلوه‌های ویژه میدانی آن کار محسن روزبهانی بود

۱۱

۱۱۱۳ کیلومتر دورتر از پایتخت، کودکی نقش تور والیبال را بازی می‌کند تا فدراسیون جهانی والیبال و دنیا را به‌ستایش این «دوستی حقیقی» بکشانند

مرامت را عشق است، تور والیبال!

زینب مرتضایی فرد

فرهنگ و هنر

تیم ترین تیم والیبال جهان آن گوشه، کنار همان دیوار آجری قدیمی در حال بازی است. تیمی سه نفره که دو بازیکن دارد و یك تور. توری با پیراهن قرمز که آن میان ایستاده تا دوستانش در یك میدان واقعی بازی کنند.

تا در همان چند ثانیه پایانی منتشر شده، از این بازی ویژه و پرهیجان، توپ یکی از طرفین اوت شود و دیگری فریاد پیروزی سر بدهد و آن تور، تور با مرام قرمز رنگ باز هم همان جا بایستد، بی آن که تکانی بخورد.

بایستد و صحنه بازی را، شادی و غم‌های پس از پیروزی و شکست دو طرف را حفظ کند. ما جرا شاید شبیه خاطرات بسیاری از اسطوره‌های ورزشی جهان و بخصوص همین ایران خودمان باشد. چهره‌های موفقی که همه بارها گفته‌اند از زمین خاکی فلان محله جنوب شهر یا یك شهرستان محروم در گوشه‌ای از ایران روزی محو جادوی یك توپ شده و بعد دویده و دویده‌اند تا برسند. کلی فوتبالیست، والیبالیست و بسکتبالیست، کشتی‌گیر و... همه از هیچ، شروع کرده‌اند و بعد رسیده‌اند به جایگاهی که بشوند قهرمان یا اسطوره و.... چه می‌کنند زمین های خاکی که با عشق گره می‌خورند، نام یکی را سر زبان جهان می‌اندازند و پرچم سه رنگ کشوری به نام ایران را مقابل چشم‌ها بالا می‌برند.

تیم ترین تیم والیبال جهان

این بار اسطوره‌مان از جنسی دیگر است. از جنسی که می‌تواند دو حس درد و خوشی را با هم در وجود مخاطب خود قلقلك بدهد، این بار از این زمین های خاکی کسی مقابل بازیکن کشور دیگری نایستاده تا شکستش بدهد، اما یك بازی ساده کودکانه در شهری که ۱۱۱۳ کیلومتر با پایتخت فاصله دارد و رسیدن به آن ۱۲ ساعت و ۲۶ دقیقه رانندگی مداوم را می‌طلبد، خیلی‌ها را به تماشای خود کشانده است. حالا آدم‌های مختلفی از سراسر دنیا چشم دوخته‌اند به ویدئوی ۲۸ ثانیه‌ای این بازی که روی صفحه فدراسیون جهانی والیبال هم با عنوان «دوستی حقیقی» منتشر شده است. حالا خیلی، کاربران ایرانی ابراز ناراحتی می‌کنند که چرا باید این کودکان، فضایی برای بازی نداشته باشند. اما خارجی‌ها، آنها که اوضاع به مراتب بهتری داشته و کلی زمین بازی و... دارند از صداقت و صمیمیتی زیر این فیلم نوشته‌اند که توانسته برای لحظاتی شاید حال شان را خوش کند و یادشان بیاورد آدمیزاد برای دلخوشی بیشتر از هر چیزی همراه لازم دارد، یکی که حاضر باشد بایستد آن میان و بشود تور بازی‌ات تا تو یادت برود اینجا زمین بازی نیست. دیوار آجری ساده‌ای است در شهری دور از پایتخت که اگر مسؤولان هم که هر سال با کلی کبکبه و دبدبه آمار کاری‌شان را منتشر می‌کنند، چندان حواس‌شان به حال و روزت نباشد اما یکی هست که دستش را به دیواری تکیه دهد و سرش را خم کند تا حس کنی اینجا هیچ چیز کم از بزرگ‌ترین باشگاه‌های ورزشی جهان ندارد.

شهر زرشك و زعفران

قائن شهری است در خراسان رضوی. نمی‌دانید کجاست؟ همان شهری که هر سال کلی زعفران و زرشك تولید می‌کند و در جهان هم به تولید این محصولات شهرت دارد. شاید همین حالا خیلی از آنها که در جهان زعفران و زرشك مصرف کرده‌اند، ندانند کودکانی که رفاقت‌شان را ستایش می‌کنند در همان شهری زندگی می‌کنند که بارها زعفران‌شان چاشنی غذاهایشان شده و حالا هم شیرینی رفاقت‌شان. کاش یکی برود زیر همین پست فدراسیون به انگلیسی بنویسد اینها بچه‌های شهر زرشك و زعفرانند، تور قرمز بازی‌شان زرشك است و مرامش زعفرانی .... اما ننویسد، شاید آن وقت آنها که زعفران ایرانی را این همه گران می‌خرند از خود بپرسند چرا....

همه تور می‌شوند، به نوبت

در ویدئوهای بعدی که روی صفحه داوری والیبال ایران منتشر شده و در اصل اولین منتشرکننده فیلم بازی بچه‌های قائن بوده می‌بینیم که این بار پسرك دیگر با پیراهن طوسی رنگ به تور بازی بدل شده و البته ذیل آن آمده آقای کاهی مدیریت فروشگاه المپیك رفته و توپ و تور به عشق والیبال‌های قائن اهدا کرده است. بعد هم تشکر شده از فرهاد شاهمیری داور والیبال که با انتشار این فیلم باعث حل مشکلات برای بازی در قائن شده و البته ما هم این را می‌افزاییم که حال خیلی‌ها را در جهان بهتر کرده است.

ایرانی و خارجی؛ در صحنه

هر جا در صفحات جهانی مطلبی درباره ایران منتشر شود، ایرانی‌ها سریعا به آن صفحه می‌روند گاهی اتفاقات خوبی را رقم می‌زنند و گاهی هم... نگوییم برایتان که بهتر از ما می‌دانید چه آبروریزی‌هایی رقم می‌خورد. این بار هم وقتی فیلم والیبال کودکانه بچه‌های قائن در اینستاگرام فدراسیون جهانی والیبال منتشر شد، ایرانی‌ها رفتند و زیر این فیلم کامنت گذاشتند. فدراسیون از این بازی با عنوان «دوستی حقیقی» یاد کرده و از همه خواسته بود دوستان والیبال دوست خود را زیر این پست منشن کنند. در ادامه چند کامنت جالب را از میان نوشته‌های مخاطبان ایرانی و خارجی برایتان می‌نویسیم تا دستتان بیاید فضا چطور بوده است.

کاربر ایرانی: چرا این پخش شده؟ آبرومون رفت!

کاربر خارجی: بهترین بازی که در عمرم دیدم!

کاربر هندی: من فکر می‌کنم اینجا هند است.

۵۳ کاربر ایرانی: توضیح فارسی و انگلیسی که نخیر! اینجا قائن خودمان است.

کاربر اهل قائن: اینجا شهر ماست اما امکانات و سالن آنقدر گران است که کمتر کسی می‌تواند از آنها استفاده کند.

یك کاربر خارجی: مگر دختران و پسران هم در ایران می‌توانند والیبال بازی کنند و یك استیکر زبان درازی!

۴ کاربر ایرانی: پاسخ‌هایی که نشان می‌دهد پاشو بیا و ببین چه می‌کنیم ما!

کاربر خارجی که دوستانش را تگ کرده: ببینید و یاد بگیریم تور هم باشیم.

کاربر ایرانی که بی‌شمار کامنت‌های فارسی دیده: آقا ساکت! بذارین چهار تا خارجی هم نظر بدن!

۸۳ درصد بازیکنان تیم ملی جوانان غیر تهرانی هستند

بهروز عطایی

مربی تیم ملی والیبال جوانان

من هم ویدیوی این بچه‌ها را دیده‌ام. البته آن را در فضای مجازی دیدم، نه در صفحه اینستاگرام فدراسیون جهانی والیبال. این ویدئو نشان می‌دهد که ورزش والیبال در کشور و جامعه ما فراگیر شده است؛ از رهبر معظم انقلاب، شخصیت اول کشور بگیرید که همین هفته گذشته میزبان والیبالیست‌ها بودند تا افراد بزرگ و کوچك دیگر و همین بچه‌هایی که ویدئوی بازی‌شان در حال انتشار است. ما و بچه‌های والیبال در هفته گذشته مهمان آیت‌ا... خامنه‌ای بودیم. ایشان از مجموعه عملکرد تیم رضایت داشتند و خوشحالی خود را از فرآیندی که در والیبال در حال وقوع است اعلام کردند. فرآیند رو به جلویی که اثرات خوبی هم در جامعه دارد. جالب این‌که اعلام کردند خودشان هم از علاقه‌مندان این رشته ورزشی هستند و در دوران کودکی و نوجوانی آن را دنبال می‌کردند. خب، این موج گسترش، هم به نفع ورزش حرفه‌ای و والیبال است و هم می‌تواند در درازمدت به حل مشکلات فرهنگی و اجتماعی کمك کند. گسترش ورزش باعث کاهش نابهنجاری‌های اجتماعی می‌شود. شهرهای مختلف کوچك و بزرگ کشور استعدادهای زیادی در والیبال دارند و بسیاری از بازیکنان خوب ما در عرصه ملی هم از شهرهایی غیر از تهران هستند. در همین تیم ملی جوانان والیبال که ما قهرمان جهان شدیم، فقط دو نفر از ۱۲ بازیکن تیم ملی، اهل تهران هستند و الباقی همه از استعدادهایی هستند که در خارج از پایتخت، رشد کرده و بالیده‌اند.

پشت صحنه

به افتخار معرفتِ ایرانی

تابستان افتاد توی سرازیری آقا! به همین زودی کمر این فصل گرم هم شکست و دارد می‌رود قِل می‌خورد و می‌رود که آرام آرام تقویم را تحویل سومین فصل سال بدهد و جایش را بدهد به پاییز.

همین هم شده که دمای هوا در چند روز اخیر کمی از مرکب گرما پایین آمد و اهالی بلوار میرداماد و تحریریه جام‌جم هم از این قاعده مستثنی نبوده و جایتان خالی، نسیمی که می‌وزد، حرارت روزهای سابق را ندارد و بگویید نگویید وضعیت نسبتا فرح بخشی را برای ما فراهم کرده.

همین هم باعث شده اهالی طبقه سوم ساختمانِ جنب مسجد الغدیر با سرعتی وافر و انگیزه‌ای دوچندان مشغول کوفتن بر کلیدهای صفحه کلید رایانه‌ها باشند تا الساعه کاغذِ اخبار امروز را تحویل شما نمایند، آنچنان که باید!

... و اما بعد! انتظار دارید فدراسیون جهانی والیبال چند هزار کیلومتر آن‌طرفِ دنیا دست بگذارد روی یك خصوصیت فرهنگی ایرانی‌ها و زبان به تمجیدشان بگشاید و ما در جریده فخیمه جام‌جم نسبت به آن بی‌خیالی طی کنیم! ما هکذا الظن به صفحات فرهنگی جام‌جم! حالا از شوخی گذشته احتمالا ویدئوی بچه‌های قائنی و والیبال سه‌نفره‌شان را دیده‌اید که موجبات کف‌وخون بالا آوردن بخش رسانه‌ای فدراسیون جهانی والیبال را فراهم آورده و در یك اقدام فك فروبراندازانه، ضمن بازنشر آن در صفحه اینستاگرامش آن را با عنوان «دوستی واقعی» توصیف کرده.

مرتضایی‌فردِ فرهنگ‌دوست هم بعد از اشارت سردبیر محترم برای حال مبسوط دادن به این بچه‌های بااستعداد و با مرام، رفته سراغ این ویدئو و یك بسته جذاب از آن برای شما فراهم کرده.

راستش را بخواهید قصد داشت پسر بامرامی که نقش تور را بازی کرده را هم پیدا کند که خب نشد! اجمالا ادای دین مرتضایی‌فرد را به هموطنان خودش در ۱۱۰۰ کیلومتر آن سوی وطن را در همین صفحه مطالعه فرمایید!

بر و بچه‌های باانگیزه انتشارات جام‌جم در این روزها دوباره دست به جشنواره شده‌اند و برای پیدا کردن و رشد و پرورش بر و بچه‌های قلم به دستی که انگیزه نویسندگی دارند یك جشنواره داستانی راه انداخته‌اند که دبیری‌اش را هم یك خانم نویسنده برعهده دارد.

آذر مهاجر کاربلد هم رفته سراغ این خانم نویسنده و راجع به چند و چون این جشنواره داستان‌نویسی با او گپ‌زده. خلاصه که این شما و این گپ و گفت مهاجر با وجیهه خانم سامانی که جشنواره داستانی «نه به سقط جنین عمدی» را اداره می‌کند؛ ورق بزنید صفحه ۱۰.

در صفحه سینما هم روزنامه‌نگاران کاردرست سینمایی گروه به مناسبت روز مقاومت اسلامی رفته‌اند سراغ طراح صحنه و جلوه‌های ویژه میدانی فیلم سینمایی «به وقت شام» و راجع به مباحث فنی این حوزه در سینما با او گپ زده‌اند.